**سخنرانی 526\_ سوره انبیاء**

بسم الله الرحمن الرحیم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

وَلَقَدۡ كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّـٰلِحُونَ[[1]](#footnote-1)

در «زبور» بعد از ذكر (تورات) نوشتيم: «بندگان شايسته ام وارث (حكومت) زمين خواهند شد!»

از مسائل مسلم در عالم اسلام که مورد اتفاق همه ی فرق اسلامی از شیعه و سنی ست مسئله ی ظهور حضرت مهدی علیه الصلوة والسلام است

آیات متعدد درباره ی ظهور آن حضرت تفسیر شده تأویل شده

مرحوم سید هاشم بحرانی عالم محقق و متتبع در کتاب المهجه فیما نزل من القران فی القائم الحجة ، در اون کتاب شاید بیش از صد آیه که تفسیر شده درباره ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام است ایشان جمع آوری کرده ، روایات و احادیث هم که درنهایت کثرت است که محققین گفته اند شاید کم مسئله ای از مسائل اسلامی داشته باشیم که از جهت کثرت روایات به این حد رسیده باشد ، روایات مشهور نبوی به طور متواتر از شیعه و سنی نقل شده حتمیت این ظهور را میرساند که فرمود:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ اَلدُّنْيَا إِلاَّ يَوْمٌ لَطَوَّلَ اَللَّهُ ذَلِكَ اَلْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اَللَّهُ فِيهِ رَجُلاً مِنِّي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اِسْمُهُ اِسْمِي وَ اِسْمُ أَبِيهِ اِسْمَ أَبِي يَمْلَأُ اَلْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً [[2]](#footnote-2).

یعنی اگر برفرض تمام عمر دنیا تمام بشود فقط یک روز بماند همان یک روز خداوند مردی از اهل بیت مرا برمی انگیزد که اسمش هم اسم من است و کنیه اش مثل کنیه ی من است ، او زمین را پر از عدل و داد میکند همانگونه که از جور و ظلم پر شده باشد.

حالا ما قبل از اینکه به آیات و روایات برسیم و توجیه کنیم ، تفسیر کنیم قبل از رسیدن به آیات و روایات ما با اندکی تأمل در نظام طبیعی عالم به این حقیقت پی میبریم که اصلا سیر طبیعی عالم طبیعت منتهی میشود به ظهور حضرت مهدی علیه السلام

یعنی عالم طبیعت از درون خودش طالب مهدی ست میکوشد خود را به دامن او بیفکند و آنجا آرام بگیرد ، راز این مطلب این است که بر اساس تحقیقات عمیقانه ی هستی شناسان عالم ، آنها که کارشان کاوش گری برای شناختن نوامیس و قوانین عالم وجود است از طریق براهین متقن عقلی بدست آور ده اند این مطلب را که از جمله ی نوامیس و قوانین لایتغیر عالم طبیعت تکامل است ، قانون تکامل از قوانین لایتغیر عالم است یعنی همه ی موجودات عالم طبیعت به جوهر ذاتش در حال حرکت بسوی کمال است

گفته اند هر نوعی از انواع آفرینش از همان اولین روز پیدایشش رو به کمال حرکت میکند با نیروی مجهزی که مناسب است سعی میکند که خودش را به کمال خودش برساند شما یک دانه ی گندم را در نظر بگیرید این دانه ی گندم که در دل خاک رفته است ، زبان حالش اینه که من به این حال نمیمانم باید تحت شرایط و عوامل مختلف قرار بگیرم و حرکت کنم ، روزی به صورت سبزه ای سر از خاک برمیدارم ، ساقه ی بند بندی پدید می آورم ، در انتهای آن ساقه خوشه ای پر از سنبل های افشان ، دارای صد یا هفتصد دانه ی گندم بشوم

این دانه ی گندم کمال نوعی اش همینه ، برسد یک خوشه گندم صد دانه ای یا هفتصد انه ای بشود ، از همان اول به سوی این کمال حرکت میکند

یا نطفه ی یک انسان از همان لحظه ای که در رحم شروع به رشد و نمو میکند زبان حالش این است که من باید طی مراحل مدارج کنم بشوم یک انسان کاملی ، بشوم یک قامت رعنایی ، چهره ی زیبایی ، مغزی متفکر ، دانشمندی مبتکر ، با نیروی فکرم زمین و آسمان را به هم بپیچم ، جو و ماوراء جو را بشکافم ، بلکه خودم را به عرش اعلای پروردگارم برسانم ، و از طرف او ندا به گوشم برسد

« دَنٰا فَتَدَلّٰى `فَكٰانَ قٰابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنىٰ »[[3]](#footnote-3) برسم به جایی که

ز احمد تا احد یک میم فرق است

همه عالم درون یک میم غرق است[[4]](#footnote-4)

حالا جامعه ی بشری هم که متشکل ازاین انسان های متکامل است ، او هم موجودی ست از موجودات این عالم و از این قانون مستثنا نیست ، یعنی جامعه ی بشر هم میکوشد علی الدوام که خود را به کمال خودش برساند ، نه تنها دانه ی گندم ، نه تنها نطفه ی انسان ، خود جامعه ی بشر میکوشد که خودش را به کمال خودش برساند ، یعنی چه ؟ یعنی بشود یک جهان متحد ، با حکومت واحد ، قانون واحد ، حاکم واحد ، قاضی واحد ، توأم با صفا ، وفا ، صمیمیت ، عدالت ، صداقت ، امنیت ، از همان روز اولش شروع کرده به حرکت ، زمان به زمان جلو آمده تا به این حد که میبینیم رسیده است ، و بالعیان میبینیم که هنوز به کمال خودش نرسیده ، هنوزجامعه ی انسان ها نشده ، اون روز میتواند به کمالش رسیده باشد و جامعه ی انسانی بشود که جهان جهان عصمت بشود دنیا دنیای طهارت بشود ، آثار حق و عدالت از همه جای آن بروز کند

درندگی ها ، وحشی گری ها ، بیداد گری ها از بین برود ، دنیا هنوز به این آرزو نرسیده و زندگی در این دنیا فعلا زندگی انسان ها نیست ، واقعش ما زندگی ندیده ایم ، خیال میکنیم زندگی همین است که ما داریم ، ما زندگی میکنیم ؟ این زندگیه که ما داریم ؟

ما انسان ندیده ایم خیال میکنیم که هر موجود دوپایی انسان است ، آیا اینها که سردوپا راه میروند داد تمدن و حقوق بشر میزنند ، کوس لمن الملکی شان عالم را گرفته ، یعنی اینها همشون انسان اند ؟ یعنی کره زمین 6 میلیارد انسان دارد ؟ یعنی به این فراوانی ؟ آدم به این فراوانی ؟ مگر میشود ؟

بی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

گفتم که یافت می نشود جسته ایم ما

گفت آنکه یافت می نشود آنم آرزوست [[5]](#footnote-5)

آیا جامعه ی انسان ها زندان هاشون مملو از دزد ها ، آدم کش ها ، وطن فروش ها میشود ؟ آن هم چه دزد هایی ، باسواد درس خوانده ، دانشگاه و دانشسرا طی کرده ، دکترا و مهندسی گرفته ، عجیب و غریب!!!!

حالا زمان سابق مینوشتند که در این دیوارها مینوشتند، روز نامه ها مینوشتند ، یک کلاس باز کنید ، در یک زندان ببندید ، این را مینوشتند تو روزنامه ها دیوارها

منظورشان این بود که این که میبینید زندان ها پر شده چون کلاس ها خالیه ، چون کلاس ها خالیه ، دانشجو و تحصیل کننده نیست ، زندان ها پر است ، یعنی اگر کلاس ها پر بشود همه ی زندان ها خالی میشود

اگر آدم ها با سواد بشوند دیگر ریشه دزدی و آدم کشی و بی عفتی همه ی اینها از بین میرود ، آنها میخواهند بگویند که غلط میکند در مملکت باسواد ها در زندان باز بشود ، عجیبه!!!

شما یک سری به این زندان ها بزنید ببینید چه دزد هایی آنجا خوابیده اند ، دزد هایی که در کلاهبرداری با یک نیش قلم میتوانند نصف مملکت را بدزدند ، به آغوش بیگانگان بیفکنند

آیا جامعه ی انسان ها بیمارستان هاشان مملو میشود از بیماری های عجیب و غریب خانمان برانداز و بشر سوز ؟ جامعه ی انسان ها این همه ، خودکشی ها ، سقط جنین ها ، طلاق کشی ها ، بی عفتی ها ، دربه دری ها دارد ؟

آیا جامعه ی انسانی و دنیای تمدن و اعلامیه ی حقوق بشر اجازه میدهد یک کشور خونخواری یک کشور بینوایی را روی خیالات واهی سرکوب کند ؟ شب و روز با کمال بی رحمی زنان و کودکان و بیماران و پیران را مثل صحراهای علف درو کند روی هم بریزه ، این انسان است ؟ این تمدنه دیگه ، این توحش حجم تمدنه ، انسانیت همینه ؟

به هر حال قانون تکامل که عرض میکنم این میخواهد چه بوجود بیاورد جامعه ی طیب و طاهر ، انسان ، صالح ، سالم بوجود بیاورد

ولی این جامعه ی سالم و صالح و طیب و طاهر نمیشود جز در سایه ی حکومت واحد جهانی ، باید حکومت واحدی در کار باشه ، تا حاکم واحد نباشه ممکن نیست ، حرج و مرجه.

حالا در زمان سابق لزوم وحدت حکومت جهانی نیازش احساس نمیشد ، نه نیاز به این وحدت و حکومت احساس میشد و نه تحققش ممکن بود اصلا ممکن نبود .

زمان سابق از دویست سال قبل سیصد سال قبل اگر میگفتند باید یک حاکم در عالم حکومت کند این اصلا شدنی نبود خب این همه مملکت ها ی کسترده ی از هم دور مگر میشد ؟ با نبود وسایل ارتباط ، مگه میشد اصلا تصورش نمیشد کرد ، تا به تحققش برسه دشوار بود در آن زمان ، ولی حالا دیگر خیلی آسان شده ، هم نیاز به وحدت حکومت احساس میشود ، هم تحققش ممکنه، بلکه لازم التحققه ، آن زمان ناممکن بود ، الان ممکن بلکه لازمه ، برای اینکه الان دنیا شده است یک خانواده ، همه ی این دنیا با این عظمت شده یک خانواده ، شما یک خانه ای را در نظر بگیرید ، تو این خانه ده تا اتاق هست هر اتاقی یک فرمانده داشته باشه ، برای اداره ی این خانه ، چه میشه ؟ از هر اتاق یک سری در میاد ، قانون مال من ، فرمان مال من ، اراده مال من ، خب این خانه چه میشه ؟ این خانه رو به فساد میرود ، همه اش تباهیه ، همه اش جنگ و خونریزی و بدبختیه دیگه.

باید تو این خانه یک نفر حاکم باشه ، از یک اتاق فرمان صادر بشه ، بگه حاکم من هستم و قدرت مال من قانون مال من ، ولی به شرط اینکه عادل هم باشه ، اگر نباشه باز همونه ، حالا ده تا ظالم یا یک ظالم به هر حال همه را میخواهد تصرف کند و به میل خودش بچرخانه دیگه ، خب باز ظلمه، لازم است تو خانه یک نفر حاکم آن هم حاکم عادل که دلسوز به حال همه باشد ، مصالح همه را در نظر بگیره ، خب الان دنیا اینجور شده ، یک خانواده ای شده ، هر مملکت یک اتاقیه اگر از هر اتاق سری برآرند و فرمان صادر کنند ، این نخواهد شد ، ولذا در این دنیا قانون تکامل اقتضا میکند هم جامعه ی صالح به وجود بیاد و آن هم نمیشود جز با حاکم واحد ، آن هم حاکم واحد عادل و لذا قانون تکامل طبعا این نوید رو به ما میده ، این بشارت را به ما میدهد که بالاخره جامعه ی بشری یک روز ایده آل و روزگار فرخنده ای در پیش دارد ، که در آن روز سرپا سعادت است و خوشبختی وکامیابی و تمام آمال و آرزو های بشر اون روز لباس تحقق به خود میپوشد و تمام رذائل حیوانی ، بیدادگری ها ، وحشی گری ها برچیده میشود ، عالم امن و امان میشود ، میشود بهشت برین .

**فِيهٰا مٰا تَشْتَهِيهِ اَلْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ اَلْأَعْيُنُ** [[6]](#footnote-6)، آنچه میخواهد دلت همان بینی ، و آنچه بینی دلت همان خواهد میشود مدینه ی فاضله ای که حکما در خیال خودش میسازند و میشود شهر توحید و اقلیم عشق که عرفا اصطلاح میکنند ، قانون تکامل این نوید را به ما بشارت میده ، این بشارت هست چون قانون تکامل در عالم هست ، خالق عالم این قانون را قرار داده ، باید هر موجودی به کمالش برسه ، دست بردار نیست ؛ حکیمه ...

همونی که گندم را حرکت میده تا برساند به آن خوشه ی پر از دانه های فراوان ، همانی که نطفه را حرکت میدهد تا انسان بسازد ولش نمیکند ، همون دستگاه جامعه ی بشر را ول نمیکند آنقدر حرکت میدهد تا به این روز برساند این نوید و بشارتی ست که این قانون به ما نشان میدهد ، همین نوید را قرآن نشان میدهد ، چون گفتیم قبل از اینکه به قرآن برسیم به

رو ایات خود این قانون طبیعی نشان میده ، خود قانون میگه من باید برسم به حضرت مهدی علیه السلام به دام او باید بیفتم ، خود قانون نشان میده برسم به یک جامعه ای که حاکم واحد وعادل درش باشه چون جز این نمیشه ...

شده یک خانه ای پر از چند اتاق متعدد ، قانون اینه ، قرآن همین رومیگه ، چهارده قرن قبل نشون داده نوید ، بشارت داده

« هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ »[[7]](#footnote-7)

او كسى است كه رسولش را با هدايت و آيين حق فرستاد، تا آن را بر همۀ آيين ها غالب گرداند، هر چند مشركان كراهت داشته باشند!

او دستگاه را اداره میکند ، او بنایش بر اینه که بفرستد رسول تا دینش را بر عالم مسیطر کند ، هیچ قانون در عالم نباشه جز قانون من ، باید اینجور باشه اگر نباشه که خلاف حکمته ، من حکیمانه عمل میکنم ، گندم را من میرویانم به اون هدف میرسانم ، نطفه ی انسان را من به هدف میرسانم ، من باید جامعه ی بشر را برسانم به اینجا که تمام دین ها از بین برود ، همه ی قانون ها از بین برود ، همه قدرت ها ، همه ی حکومت ها ، یک حکومت با یک قانون در عالم ثابت بشه.

همون آیه ای که تلاوت شد

« وَلَقَدۡ كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّـٰلِحُونَ[[8]](#footnote-8)

در «زبور» بعد از ذكر (تورات) نوشتيم: «بندگان شايسته ام وارث (حكومت) زمين خواهند شد!»

ما مقرر کرده ایم در عالم ، قانون ثابت منه من حتما تثبیت کرده ام این مطلب را ، در همه جا نوشته ام کتاب های آسمانی سلف ، که باید زمین به دست صالحان اداره بشود ، نمیشه باید برسد به جایی که فقط صالحان حکومت کنند در اون زمین

« وَلَقَدۡ كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّـٰلِحُونَ[[9]](#footnote-9)

در «زبور» بعد از ذكر (تورات) نوشتيم: «بندگان شايسته ام وارث (حكومت) زمين خواهند شد!»

گفته

 وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَٰتِ لَيَسۡتَخۡلِفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ كَمَا ٱسۡتَخۡلَفَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمۡ دِينَهُمُ ٱلَّذِي ٱرۡتَضَىٰ لَهُمۡ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعۡدِ خَوۡفِهِمۡ أَمۡنٗا[[10]](#footnote-10)

خداوند به كسانى از شما كه ايمان آورده و كارهاى شايسته انجام داده اند وعده مى دهد كه قطعاً آنان را حكمران روى زمين خواهد كرد، همان گونه كه به پيشينيان آنها خلافت روى زمين را بخشيد؛ و دين و آيينى را كه براى آنان پسنديده، پابرجا و ريشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنيّت و آرامش مبدّل مى كند

در این سه جمله همه اش نون تأکید آمده ، لام و نون تأکید ، لیستخلفنهم ، به طور قطع و مسلم ، لیمکنن لهم ، حتما باید من دین مرتضی را در عالم تمکین بدهم ، مستقرش بسازم ، این حتمیه ، ولیبدلنهم من بعد خوفهم أمنا ، باید من تمام خوف ها و وحشت ها رو مبدل به امنیت کنم ، این خوف ها موقته از بین خواهد رفت و امنیت جای آن خواهد نشست ، و این آیات قرآن نوید میدهد ، بشارت همون تکامل را میده

« وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَنَجۡعَلَهُمۡ أَئِمَّةٗ وَنَجۡعَلَهُمُ ٱلۡوَٰرِثِينَ »[[11]](#footnote-11)

ما مى خواهيم بر مستضعفان زمين منّت نهيم و آنان را پيشوايان و وارثان روى زمين قرار دهيم!

اراده ی ما تعلق گرفته ، در مقابل اراده ی من هیچ قدرت نمی ایسته ، من خواسته ام باید مستضعفین به حکومت برسند باید اونها امام بشوند اونها پیشوا بشوند در عالم ، این آیات قرآن

این جمله هم از امام حضرت امیر علیه السلام هست که درنهج البلاغه هست

میفرماید : « لَتَعْطِفَنَّ اَلدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ اَلضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا »[[12]](#footnote-12)

به آن خدائى كه دانه را ميشكافد و جان در كالبد مى‌دمد دنيا بما رو خواهد آورد بعد از اين پشت نمودن و تنفرى كه از ما دارد همانند ماده شترى كه به بچه خود خيلى علاقه دارد و از او حمايت مى‌كند.

فعلا این دنیا با ما ناسازگاری میکند ، فعلا یک شتر چموشی شده ، لگد پرانی میکند به ما ، اون شتر چموشی که به صاحبش سواری نمیده ، گاز میگیره ، لگد میزنه ، حالا دنیا اینجور شده ، داره شموسی میکند ، شماس همون چموش بودنه ، شده شتر سرکش ، لگد پرانی میکنه ، گاز میگیره ، ما را به زندان ها می افکند ، میکشند ، فعلا اینجوریه ، با ما ناسازگاری میکند ، ولی یک روزی حتما بدانید که به سمت ما برمیگرده ، بعد از این چموشی وسرکشی که دارد و لگدپرانی یک روز به ما برمیگرده ، لتعطفن ، باز هم با تأکید بیان میکند ، به طور حتم و مسلم این دنیای چموش به ما سواری خواهد داد ، به ما برمیگرده ، لتعطفن الدنیا علینا بعد شماسها ، اون گونه که شتر بد خو حتی به بچه اش رحم نمیکند بی میلی میکند ، او را میزند ، یک روز ی همان شتر بدخو برمیگردد بچه ی خودش را به دامان خودش میگیره ، این را فرمود بعد این آیه را متعاقبا فرمود :

« وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَنَجۡعَلَهُمۡ أَئِمَّةٗ وَنَجۡعَلَهُمُ ٱلۡوَٰرِثِينَ » [[13]](#footnote-13)

و هم فرمودند : « رایة المهدی البیعة لله مکتوب فیها »[[14]](#footnote-14) آن پرچمی که او برافراشته خواهد کرد نوشته است روی اون پرچم البیعة لله ، امروز حکومت از آن خداست ، بیعت از آن خداست ، « اسمعوا واطیعوا » باید گوش کنید باید اطاعت کنید «  يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ اَلْمَشْرِقَ وَ اَلْمَغْرِبَ »[[15]](#footnote-15) او سلطنتش همه جا را میگیره مشرق و مغرب را زیر سیطره ی خودش می آورد ، « لا یبقی فی الارض خراب الا یعمرون » هیچ نقطه ی خرابی باقی نمیماند مگر اینکه او آبادش میکند .

حالا یه چند جمله ای عرض میکنم از نهج البلاغه ، گفتیم که قانون تکامل طبعش این است که میخواهد جامعه ی سالم و صالح بسازد و آخرش هم میسازد اما در این وسط انسان هم هست انسان هم یک موجود مختاریه ، یعنی خدا به او اختیار داده میتواند هم قدرت تعمیر دارد هم تخریب ، اینجور ساخته خدا او را ، هم میتواند آباد کند هم خراب کند ، در اثر اعمال همین انسان دنیا دگرگون میشه ، عالم منقلب میشه ، انقلابات جوی در عالم بوجود می آید ، زلزله می آید ، ساعقه می آید ، جنگ می آید ، اینها از اعمال انسان پیدا خواهد شد ، چون خدا اینجوری ساخته انسان را ، مختاراست...

« ظَهَرَ ٱلۡفَسَادُ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ بِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِي ٱلنَّاسِ »[[16]](#footnote-16)

فساد، در خشكى و دريا بخاطر كارهايى كه مردم انجام داده اند آشكار شده است

« وَإِذَآ أَرَدۡنَآ أَن نُّهۡلِكَ قَرۡيَةً أَمَرۡنَا مُتۡرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيۡهَا ٱلۡقَوۡلُ فَدَمَّرۡنَٰهَا تَدۡمِيرٗا»[[17]](#footnote-17)

و هنگامى كه بخواهيم شهر و ديارى را هلاك كنيم، نخست اوامر خود را براى «مترفين» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بيان مى داريم، سپس هنگامى كه به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات يافتند، آنها را به شدّت درهم مى كوبيم

او اینجور ساخته انسان را میتواند ، قدرت به او داده ایم که تخریب کند ، ویرانگری ایجاد کند ، این برایش ممکن است ، ولذا اولین عامل انحراف در عالم پیدا شد ، پسر آدم ابوالبشر بوجود آورد ، قابیل ، اولین انحراف از او پیدا شد ، برادرش را کشت ، هابیل را از روی حسد کشت ، دفن کرد ، حضرت آدم علیه السلام در سفر بود ، سفر مکه ، وقتی برگشت هابیل رو ندید ، از قابیل پرسید گفت من نمیدانم ، به من نسپرده بودی او را ، خسته بود خوابید ، در عالم خواب دید پسرش هابیل روی بلندی کوهی رفته و فریاد میکشه : الغیاث بک یا أب ، پدر به دادم برس من را کشتند ، از خواب بیدار شد متوحش ، جبرییل علیه السلام کنارش بود ، سؤال کرد پسر من هابیل کجاست ، گفت سرت به سلامت باشه خدا بهت صبر بده ، برادرش کشت او را ، قابیل او را کشت ، کجا دفن کرده ؟ جبرییل علیه السلام برد این پدر و مادر را ، آدم و حوا را کنار قبر هابیل ، جبرییل با اذن خدا اشاره به قبرکرد ، قبر شکافته شد جناب آدم دید پسرش را ، مغزش متلاشی شده ، خون ریخته به اطراف بدنش ، از ناراحتی غش کرد ، بهوش که آمد کنار نعش غرق خون فرزندش بنا کرد مرثیه خوانی کردن ، مرثیه ها ازش نقل شده :

تَغَيَّرَتِ اَلْبِلاَدُ وَ مَنْ عَلَيْهَا

فَوَجْهُ اَلْأَرْضِ مُغْبَرٌّ قَبِيحٌ

تَغَيَّرَ كُلُّ ذِي لَوْنٍ وَ طَعْمٍ

وَ قَلَّ بَشَاشَةُ اَلْوَجْهِ اَلْمَلِيحِ[[18]](#footnote-18)

یعنی فرزندم تو رفتی به این کیفیت با رفتنت دنیا دگرگون شد ، دیگر میوه ها تلخ شد ، دیگر شادی ها مبدل به حزن و اندوه شد ...

خب حالا آیا حضرت آدم برای همین پسرش اینها را گفته ؟ یعنی فقط مرگ هابیل اینجور میشود که دنیا دگرگون میشود ؟ زمین و آسمان منقلب میشود ؟ نه ، بعیده، چون حضرت آدم صفی الله است ، پیغمبر بزرگ خداست ، ساخته شده ی دست خدا بلاواسطه، مسجود فرشتگان است ، قبله ی ملائکه واقع شده ، نفخت فیه من روحی حکایت از عظمت مقام او میکند ، او بعیده تنها برای پسرش اینجور مرثیه کند

معلوم میشود که او با چشم دوربین نبوت عالم را میبیند تا روز قیامت ، زمان ما را میبیند ، او کنار اجساد آغشته به خون فرزندان آینده اش نشسته نه فقط کنار هابیل ، همه را میبیند ، صحنه ی پر از ظلم و جور را میبیند ، میگوید که این ظلمی که درباره ی تو شد ، پایه گذاری کرد ظلم را در عالم ، دنبالش کشتن ها خواهد بود ، آدم کشی ها خواهد شد ، جنایت ها خواهد شد ، برای فرزندان آینده اش گریه میکند ، مرثیه سرایی میکند ، بله قابیل هابیل را کشت به زعم خودش کاری نکرد ، یک جانداری را بی جان کرد و بعد راحت شد رفت مشغول چریدن شد ، اما آدم علیه السلام او پیغمبر خداست ، آینده را میبیند ، میداند این عمل ارکان عالم کون را میلرزاند ، بنیان کاخ سعادت بشر را متزلزل میکند ، برای او مرثیه سرایی کرده ، برای ماها ....

پس این انسان تخریب میکند قدرت دارد تخریب میکند و چنان تخریب میکند که به جایی میرسه که نزدیک میشود عالم دگرگون بشود اصلا ، بعضی معتقدند که در یک قدمی نابود ی قرارگرفته کره زمین ، ممکنه این بشر با یک فشار دادن یک مثلا دکمه ای تمام کره ی زمین را منقلب کنه ، خب میتواند ، خدا این قدرت را به بشر داده ، میتواند این کار را بکند اما نمیگذارد چون خلاف حکمته ، بخواهد تباه بشود عالم همه چیزش این خلاف حکمته در عالم خلقته ، او نگهبان است ، مهیمن عالم است ، قدرت داده به انسان اما میخواد به اونجا که برسد ، نه دیگه ، اونجا اجازه ی این را نمیدهد ، که عالم خلق نشده که به دست یک بشر ظالم بیفته و تباهی به بار بیاورد به این کیفیت !!!

یعنی اون وقت که رسید فرمان ظهور صادر میشود ، در آن لحظه فرمان ظهور صادر میشود ، که حضرت نیر اعظم نیروی معدل اقوم ولی زمان صاحب دوران بزرگ فرمانده عالم امکان امام حجة الحسن المهدی او از پرده ی استتار به اذن خدا بیرون می آید و تکیه به دیوار کعبه میدهد

« یا اهل العالم بقیة الله خیر لکم ، أنا بقیة الله ، البیعة لله ، اسمعوا و اطیعوا »

مردم من بقیة الله هستم ، من ذخیره ی خدا هستم ، پرچم من هم پرچم بیعت برای خداست بشنوید اطاعت کنید

دست به سینه ی این عالم در حال سقوط میگذارد ، قَالَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا لَهَا[[19]](#footnote-19) ، میگوید چه شده ؟ تو را چه میشود آرام بگیر

# « إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا

وَأَخۡرَجَتِ ٱلۡأَرۡضُ أَثۡقَالَهَا

وَقَالَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا لَهَا[[20]](#footnote-20)

هنگامى كه زمين شديداً به لرزه درآيد

و زمين بارهاى سنگينش را خارج سازد!

و انسان مى گويد: «زمين را چه مى شود (كه اين گونه مى لرزد)؟!

آن انسان کامل نهیب میزند به این عالم در حال سقوط ، آرام باش تنها او میداند که این شتر مست مهار دریده ی از کوره در رفته را چگونه به مهار بیاورد ، آرامش کند ، او میداند ، يَمْلَأَ اَلْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً[[21]](#footnote-21)

زمين را پر از عدل و داد كند چنانچه پر از ظلم و جور شده است

حالا عرض شد

در نهج البلاغه یک جمله ای دارد راجع به فتنه ی قبل از ظهور ، قال الانسان مالها ، میگوید تو را چه میشود ؟

آرام بگیر

# « إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا

وَأَخۡرَجَتِ ٱلۡأَرۡضُ أَثۡقَالَهَا

وَقَالَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا لَهَا »

آن انسان کامل نهیب میزند به این عالم در حال سقوط ، آرام باش تنها او میداند که این شتر مست مهار دریده ی از کوره در رفته را ، چگونه به مهار بیاورد ، آرامش کند ، او میداند ، يَمْلَأَ اَلْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً حالا عرض شد که در نهج البلاغه یک جمله ای دارد راجع به فتنه ی قبل از ظهور ، قبل از ظهور آن حضرت این بشر مخرب خیلی کار تخریب میکند ،

میفرماید : « حَتَّى تَقُومَ اَلْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ »[[22]](#footnote-22)

قبل از ظهور حضرت این جریانات پیش می آید ، جنگ روی پای خودش میایستد .

 مانند حیوان درنده ای که از شدت خشم لب ها را کنار میزند و دندان هایش را نشان میدهد ، به این حال درمی آید

« بَادِياً نَوَاجِذُهَا مَمْلُوءَةً أَخْلاَفُهَا » [[23]](#footnote-23)

این پستان های این جنگ مانند پستان شتر که پراز شیر میشود این هم پر از زهر میشود ، پستان های این شتر پر از زهر میشود

« حُلْواً رَضَاعُهَا »[[24]](#footnote-24)

آنهایی که کارگردانان میدان جنگند خیلی خوششان می آید این فتح و پیروزی ها برایشان شیرین است ولی عاقبتش تلخه ، برای زائقه ی خودشان هم تلخ میشود ، یعنی اگر او پیش برود دیگر غالب و مغلوبی در کار نیست ، هیچ و پوچ در عالم میشود

« حُلْواً رَضَاعُهَا »

« عَلْقَماً عَاقِبَتُهَا أَلاَ وَ فِي غَدٍ »[[25]](#footnote-25)

بهوش باشید ، آینده ای در کار هست

« وَ سَيَأْتِي غَدٌ بِمَا لاَ تَعْرِفُونَ »[[26]](#footnote-26)

 آینده ای خواهد پیش آمد ، حوادثی که شما نمیفهمید ، اصلا نمیشناسید ، از تصورش هم عاجزید شما ، اما آن روز که به این حد که رسید

« يَأْخُذُ اَلْوَالِي »[[27]](#footnote-27)

آن فرمانروای مطلق ظهور میکند و جلوی این فساد ها را میگیرد

« يَأْخُذُ اَلْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا»[[28]](#footnote-28)

آن فرمانروا غیر ازاینهایی که هستند غیر این سلاطینی هستند که خود خواه و مستکبرند او وقتی که ظهور میکند

« يَأْخُذُ اَلْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا»[[29]](#footnote-29)

تمام این کارگردانان این جنگ را میگیرد و گرفتن شروع میشود ، کشتن شروع میشود

« عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا»[[30]](#footnote-30)

همه ی آنها را به کیفر اعمالشان میرساند ، بعد مسلط در عالم میشود زمین ، تمام آنچه در دل دارد در اختیار او میگذارد

« وَ تُخْرِجُ لَهُ اَلْأَرْضُ أَفَالِيذَ كَبِدِهَا » [[31]](#footnote-31)

پاره های جگر خودش را در اختیار او میگذارد

« وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سِلْماً مَقَالِيدَهَا»[[32]](#footnote-32)

تمام کلیدهای خودش را به دست او میسپارد ، آن روز را نشان میده

« فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ اَلسِّيرَةِ»[[33]](#footnote-33)

او نشان میدهد که چطور میشود آدم را اداره کرد ، عدالت در سیره و رفتار چگونه میشود

« وَ يُحْيِي مَيِّتَ اَلْكِتَابِ وَ اَلسُّنَّةِ»[[34]](#footnote-34)

او که بیاید خواهد دید که قرآن مرده است و سنت مرده است ، قرآن مرده و سنت مرده را زنده میکند او ، آنکه میمیراند ما هستیم کفار نیستند ، کفار با قرآن و سنت کاری ندارند ، این ما هستیم ، کاری میکنیم که با رأی خودمان مطلب را تطبیق میکنیم ، رأی خود را بر قرآن تحمیل میکنیم ، آیه را مطابق رأی خود معنا میکنیم ، حدیث مطابق رأی خود ، خب میمیرد ، دیگر اون کتاب نیست ، اون سنت نیست ، او می آید احیا میکند

« يَعْطِفُ اَلْهَوَى عَلَى اَلْهُدَى إِذَا عَطَفُوا اَلْهُدَى عَلَى اَلْهَوَى »[[35]](#footnote-35)

میبینند که همین مسلمان ها رأی خودشان را بر قرآن تحمیل کردند ، قرآن نیست ، او برمیگرداند ، او هدی را تحمیل میکند برمیگرداند ترجیح میدهد بر هوا ...

« يَعْطِفُ اَلرَّأْيَ عَلَى اَلْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا اَلْقُرْآنَ عَلَى اَلرَّأْيِ »[[36]](#footnote-36)

وقتی دید آرا را بر قرآن تحمیل کردند او می آید قرآن را جلو می افکند و تمام آرا را از بین میبرد خب این هم یک نمونه قبل از ظهور ، اما وقتی قیام کند

« وَضَعَ اَللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ اَلْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلاَمُهُمْ » [[37]](#footnote-37)

او که بیاید عقل ها جمع میشوند ، عقل ها به رشد میرسند ، تمام افکار عادلانه ی انسانی در عالم بروز میکند ولذا

« إِذَا قَامَ مَدَّ اَللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ »[[38]](#footnote-38)

از معجزات آینده ایست که خبر داده اند ، که وقتی آمد جوری میشود که او که وقتی کنار کعبه ایستاده همه ی مردم او را میبینند و حرف های او را میشنوند ، خود مردم همدیگر را میبینند ، یکی در مغرب یکی در مشرق ، حالا اینها برای اونها قابل باور نبود ، تعبدا قبول میکردند ، ولی حالا ما میبینیم ، مردم خودشان یکی در مشرق یکی در مغرب همدیگر را میبینند ،حرف ها را میشنوند ، آن روز تعجب میکردند ، مگر میشود امام زمان در یک گوشه بایستد همه ببینند او را ، همه ی مردم و حرفهایش هم بشنوند ، روایت داریم اینجور خواهد بود

« يُكَلِّمُهُمُ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ »[[39]](#footnote-39)

او جای خودشه ولی مردم او را میبینند و میشنوند حرف های او را ، خب اونوقت حوادثی که فرمودند پیش می آید ، ما باید مراقب باشیم که ما نباشیم از آن اشخاصی که اینها را بوجود آوردند

« إِذَا رُفِعَ اَلْعِلْمُ وَ ظَهَرَ اَلْجَهْلُ »[[40]](#footnote-40)

علم حقیقی از بین میرود جهل در میان مردم وارد میشود ، همه باسوادند ، همه دانشمندند، چه بسا علوم دینی هم دارند در واقع توأم با جهل میشه ، جهل بروز میکند ، علم واقعی از بین میرود

« كَثُرَ اَلْقُرَّاءُ وَ قَلَّ اَلْعَمَلُ »[[41]](#footnote-41)

باسواد ها زیاد میشوند ولی عمل کم میشه ، علم فراوان میشه

« قَلَّ اَلْفُقَهَاءُ اَلْهَادُونَ وَ كَثُرَ فُقَهَاءُ اَلضَّلاَلَةِ »[[42]](#footnote-42)

عجیبه جوری میشود که همان دانشمندان دینی هم که هستند هادی ها کم میشه ، اونهایی که باید هدایت کنند ، ارشاد کنند کم میشن ، اما از آن طرف گمراه کننده ها زیاد میشن ، پناه بر خدا میبریم واقعا که جوری بشود که تنها دانشمند بودن که ملاک نیست برای اسلام ، اهل عمل بودن و ورع داشتن لازمه ، کسی دانشمنده باسواده حتی در علوم دینی ، ورع ندارد ، تقوا ندارد ، اگر این شد او مضله ، چه بسا بیشتر باشه ضلالتش ، ولو یک امتی تابع یک عالمی هستند ، اگر این عالم با ورع نباشه ، فقیه هم باشد فرضا ، مطلع از تمام رموز فقهی هم باشه ، اما وقتی ورع نداشته باشه او ضلالت می آورد

« مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِنَ اَلْهُدَى فُقَهَاءُ ذَلِكَ اَلزَّمَانِ شَرُّ فُقَهَاءَ تَحْتَ ظِلِّ اَلسَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتِ اَلْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعُودُ »[[43]](#footnote-43)

مسجدها آباد ، چقدر آباده چقدر زیبا ساخته شده ، شما در مکه و مدینه ببینید چقدر خوب دیگر بهتر از اون نمیشه ، آنقدر ساخته اند مسجد ها آباد است انسان کیف میکند حظ میکند از آن زیبایی مسجد ، اما خراب من الهدی ، هدایت درش نیست ، آبادی هست هی خراب من الهدی

« اِسْتَحَلُّوا اَلْكَذِبَ وَ أَكَلُوا اَلرِّبَا »[[44]](#footnote-44)

دروغ را حلال میدانند ، ربا را هم که میخورند ، از شیر مادر حلال تر به قول معروف ، خیلی باعث تأسف است واقعا که بازار مسلمان ها اصلا ربا خواری عادی شده باشه ، دروغ گویی ، تدلیس ، کلاهبرداری ، عادی عادی شده باشه ، اصلا باکشان نمیشود مردم که مال مردم است مثلا ، حرام است ، نمیشود خورد

« شَيَّدُوا اَلْبُنْيَانَ وَ بَاعُوا اَلدِّينَ بِالدُّنْيَا »[[45]](#footnote-45)

ساختمان ها محکم ، بالا رفته برج های عجیب و غریب اما دین را فروخته اند به دنیاشان ، هر چه هست دنیا ، دین اصلا در کار نیست

« وَ اِسْتَعْمَلُوا اَلسُّفَهَاءَ »[[46]](#footnote-46)

مردم نالایق را به کارها میگمارند

« وَ شَاوَرُوا اَلنِّسَاءَ »

و زن ها مورد مشورت قرار میگیرند در کارها

مشکل بزرگی که ما الان داریم مسئله ی زن هاست ، نزدیک کردن به مردها ، در همه ی کارها اینها را گماشتن ؛ این خطر دارد ، به صرف اینکه حالا زن باسواد است ، سخنوره ، خیلی خوبه ، بسیار خب ، اما فساد دارد ، قرآن کریم برای گناه و شراب هم منفعت قائله اما گناهش بیشتره.

اثمهما اکبر من نفعهما ، درسته منافع مادی دارد ، خود شراب منافع مادی دارد قمار هم داره ، اما آن گناه بزرگش ، خطر عجیبش بیشتره چرا آن را حساب نمیکنیم

میبینیم در قسمت عمده ی چیزها زن ها هستند حتی در مناجات در دعا ، گاهی رادیو را باز میکنم تا ببینم اذان شده یا نه ، زن داره برنامه اجرا میکنه آن هم برای مناجات ، با خدا داره مناجات میکند ، اینها درست نیست ، عقل هم در عالم هست

شب نیمه ی شعبان تلویزیون نشان میداد زن ها با مرد ها کنار هم ایستاده بودند و سرود میخواندند آن هم با این وضعیت زن ها ، برای امام زمان ، امام زمان چه لفظی به ما خواهد گفت ؟ این قبولش است ؟ این مسخرگیه واقعا ، یعنی ما داریم به پیغمبر دهن کجی میکنیم ، به امام زمان دهن کجی میکنیم واقعش اینه ، خیال میکنیم جشن گرفتیم و امام زمان خوشحال میشود از اینها ، امام زمان خون در دلش ریختن با این کارهای ما ، این مسخرگی ست ، استهزاء است ، زن به چه مناسبت بیاد شب امام زمان ، یک صف مردها یک صف زن ها باهم دیگر سرود بخوانند ، یعنی چی ؟ واقعا استهزاء به دین میشه ، نمیدانیم اصلا نمیفهمند یا میفهمند و اما نفوذی از جای دیگر میشوند و تعمدا این کار را میکنند ، چرا ؟ نباید اینها اصلاح بشود ؟ نباید رادیو و تلویزیون اصلاح بشود ؟

رسانه های عمومی عامل بزرگن برای هدایت و ضلالت ، تنها چند تا برنامه ی تفسیری و مذهبی داشتن که این کافی نیست که ، برنامه های ضد مذهبی خراب تر میکند ، آن تأثیر را هم از بین میبره ، تفسیر و موعظه همه با دیدن یک فیلم مهیج از بین میره ، غالبا مشتری های اینها جوان ها هستند ، پیرمرد ها که دیگر [ نامفهوم]

هستند افراد مومن متقی اما خب بایک گل که بهار نمیشود آنجا اکثریته ، وَ شَاوَرُوا اَلنِّسَاءَ ، آن زمان زن ها مورد مشورت قرار میگیرند ، کارها بسیار به آنها واگذار میشود

« وَ اِتَّبَعُوا اَلْأَهْوَاءَ وَ اِسْتَخَفُّوا بِالدِّمَاءِ » [[47]](#footnote-47)

خونریزی آسان میشه ، آدم کشتن آسان میشه خیلی عادی میشود

« اِزْدَحَمَتِ اَلصُّفُوفُ وَ اِخْتَلَفَتِ اَلْقُلُوبُ »[[48]](#footnote-48)

صف های جماعت خیلی خوب ازدحام وجمعیت تو صف های جماعت اما قلب ها با هم مختلف است ، دل ها پراکنده است ، بدن ها به هم چسبیده دل ها از هم رمیده است

« وَ شَارَكَ اَلنِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي اَلتِّجَارَةِ »[[49]](#footnote-49)

زن ها هم حسابی با مردهایشان در امور تجارت و دنیا داری شرکت میکنند ، همه باید کار کنند که دنیا تأمین بشه ، کاری به دین نیست ؛ حالا دین میپسنده یا خیر باید زندگی کنیم بالاخره

« حِرْصاً عَلَى اَلدُّنْيَا »[[50]](#footnote-50)

همه حرص بر دنیا دارند به هر حال این چند جمله ای که عرض شد

از خدا میخواهیم که ان شاءالله به لطف و کرم خودش فرج امام زمانمان را نزدیک کند و قلب های ما رابه نور ایمان و یقین منور بفرماید چون نور ایمان و یقین از دل ها برود تمام زندگی ما مختل میشود ، هم دنیا خراب میشود هم آخرت خراب میشود ، پروردگارا به غربت امام عصر علیه السلام قلب های ما را با تقوا و یقین منور بفرما ، فرزندان ما را ، جوان های ما را از ضلالت و انحراف حفظشان کن ، حسن عاقبت به همه ی ما کرم بفرما

صلوات ختم بفرمایید ...

1. . سوره مبارکه انبیا – آیه 105 [↑](#footnote-ref-1)
2. . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام , جلد۵۱ , صفحه۸۵ [↑](#footnote-ref-2)
3. . تفسير نور الثقلين , جلد۵ , صفحه۱۴۹ [↑](#footnote-ref-3)
4. . شیخ محمود شبستری - گلشن راز [↑](#footnote-ref-4)
5. . دیوان شمس [↑](#footnote-ref-5)
6. . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام , جلد۱۰ , صفحه۳۸۶ [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره مبارکه توبه – آیه 33 [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره مبارکه انبیا – آیه 105 [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره مبارکه انبیا – آیه 105 [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره مبارکه نور – آیه 55 [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره مبارکه قصص – آیه 5 [↑](#footnote-ref-11)
12. . نهج البلاغة , جلد۱ , صفحه۵۰۶ [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره مبارکه قصص – آیه 5 [↑](#footnote-ref-13)
14. . **التشريف بالمنن في التعريف بالفتن  ,  جلد۱  ,  صفحه۳۲۱** [↑](#footnote-ref-14)
15. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۵۲  ,  صفحه۱۹۱** [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره مبارکه نور – آیه 41 [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره مبارکه اسرا – آیه 16 [↑](#footnote-ref-17)
18. . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام , جلد۱۰ , صفحه۷۵ [↑](#footnote-ref-18)
19. .سوره مبارکه زلزال – آیه3 [↑](#footnote-ref-19)
20. . سوره مبارکه زلزال – آیات 1 الی 3 [↑](#footnote-ref-20)
21. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۵۲  ,  صفحه۲۲۲** [↑](#footnote-ref-21)
22. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۵۱  ,  صفحه۱۳۰** [↑](#footnote-ref-22)
23. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۵۱  ,  صفحه۱۳۰** [↑](#footnote-ref-23)
24. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۵۱  ,  صفحه۱۳۰** [↑](#footnote-ref-24)
25. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۵۱  ,  صفحه۱۳۰** [↑](#footnote-ref-25)
26. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۵۱  ,  صفحه۱۳۰** [↑](#footnote-ref-26)
27. . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام , جلد۵۱ , صفحه۱۳۰ [↑](#footnote-ref-27)
28. . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام , جلد۵۱ , صفحه۱۳۰ [↑](#footnote-ref-28)
29. . همان [↑](#footnote-ref-29)
30. . همان [↑](#footnote-ref-30)
31. . همان [↑](#footnote-ref-31)
32. . همان [↑](#footnote-ref-32)
33. . همان [↑](#footnote-ref-33)
34. . همان [↑](#footnote-ref-34)
35. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۳۱  ,  صفحه۵۴۹** [↑](#footnote-ref-35)
36. .همان [↑](#footnote-ref-36)
37. . **الکافي  ,  جلد۱  ,  صفحه۲۵** [↑](#footnote-ref-37)
38. . **الکافي  ,  جلد۸  ,  صفحه۲۴۰** [↑](#footnote-ref-38)
39. . همان [↑](#footnote-ref-39)
40. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۵۱  ,  صفحه۶۸** [↑](#footnote-ref-40)
41. . همان [↑](#footnote-ref-41)
42. . همان [↑](#footnote-ref-42)
43. . **الکافي  ,  جلد۸  ,  صفحه۳۰۷** [↑](#footnote-ref-43)
44. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۷۵  ,  صفحه۲۲** [↑](#footnote-ref-44)
45. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۵۲  ,  صفحه۱۹۲** [↑](#footnote-ref-45)
46. . **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام  ,  جلد۵۲  ,  صفحه۱۹۲** [↑](#footnote-ref-46)
47. . همان [↑](#footnote-ref-47)
48. . **منتخب الأنوار المضیّة  ,  جلد۱  ,  صفحه۸۵** [↑](#footnote-ref-48)
49. . همان [↑](#footnote-ref-49)
50. . همان [↑](#footnote-ref-50)